



خاصی در بدن و فیزیکال خود دارد. همین زوج معلول بیانگر یک چارچوب دراماتیک در نمایش است که می تواند بستر مناسبی برای حوادث بعدی و تضادهای بعدی باشد. طراحی دکور با خلاصه کردن همه چیز در دو رنگ سیاه و سفید انتخابی است که بستر را برای اتفاقات نمایشی فراهم می کند. با این دورنگ پیش بینی اتفاقات ناگوار در ذهن مخاطب ته نشین می شوند. دوگانگی ها، تناقض ها و تضادها در دو سوی سیاه و سفید در طول نمایش برای ما روشن و برجسته می شود و به نظر می رسد که طراحی خوب و موشکافانه ای در جهت مضمون نمایش پشت کار است. همچنین بازیگران نمایش که از لحاظ فیزیکال و طراحی به درستی انتخاب شده اند و از پس ایفای نقش چه از نظر جنس بازی و چه از نظر هدایت کارگردان به خوبی بر می آیند. همه ی این عوامل طوری در هم ادغام شده اند که نتیجه آن یک نمایش مطلوب است، که مخاطب را نیز راضی نگه می دارد.

**ایا به تمام پاسخ هایی که در طول نمایش با آن مواجه بودید، رسیدید؟**

ماهیت نمایش مدرن به طور کلی در یک وضعیت ابهام است. و ممکن است تا پایان نمایش هم همه چیز برای مخاطب روشن نشود، بخش های برای ما روشن می شود و بخش های هم در ابهام باقی می ماند، که اتفاقا همان بخش های مبهم ما را به فکر و میبازد و با نقطه های مجهولی از چرایی ها سالن را ترک می کنیم. این نمایش نیز فارغ از این جریان نبود همان طور که در قسمت هایی از نمایش مبهم عمل کرده است که می تواند خاصیت و امتیاز نمایش محسوب شود.

**صحبت پایانی رضا آشفته درباره نمایش هیدن؛**

این نمایش به نسبت موفق است، تنها در بخش صدا و موسیقی اغراق زیادی دارد. ممکن است حجم صدای محیطی برای برخی از تماشاگران آزاد دهنده بوده باشد، ای کاش از این صدای بلند پرهیز شود چرا که موسیقی بلند نه تنها حسن و زیبایی کار به حساب نمی آید، بلکه در مجموع حتی کمکی هم به اجرا نخواهد کرد.

جنبه نوستالوژی دارند.

**تئاتر چند رسانه ای در فضای اجتماعی امروزی چه تاثیری دارد؟**

سوال اصلی من این است که مادر قرن ۲۱ جهان و ۱۴۰۰ خودمان چه استفاده های کاربردی تری می توانیم از جهان مولتی مدیا و سوشال مدیا داشته باشیم؟ در حالی که این جهان تمام دنیای ما را احاطه کرده است. و ما انگار هنوز فرهنگ زیست در آن را نمی دانیم. با اتفاقاتی که بواسطه کرونا برای بشر رخ داد و در پی آن فضای مجازی به طور کامل در جای جای زندگی ما جا خوش کرد، از مخاطب نمی شود خواست که به ۵۰ سال پیش باز گردد و همان نمایش ها را با همان سبک های اجرایی ببیند! البته هنوز هم برای شاهکارهای استثناء ارزش قائلم و می دانم که البته که ممکن است به طور خاص یک نمایش بدون هیچ چیز اجرا شود و خاص باشد. اما جهان با تحولاتی که در طول این سالهای اخیر داشته، با اینکه ممکن است جذاب به نظر بیاید اما بسیار ترسناک است و آمادگی کاملی برای رسیدن به ابتذال ویران کننده ای را دارد. نگاه من در نمایشنامه بعدی نمایانگر همین ابتذال فضای هوش مصنوعی است که گریبان بشر را خواهد گرفت.

**رضا آشفته:**

**هیدن یک نمایش نئو مدرن است**

**در مورد سبک و شیوه اجرایی نمایش هیدن برای دوستدارن و مخاطبان هنر تئاتر بگویید؟**

هیدن را می توان از جمله نمایش های نئومدرن دانست. چرا که با نگاه و نگرشی نوگرایانه تر به مقوله تئاتر چه در طراحی و بازی و چه در کارگردانی و اجرا پرداخته است، البته این نوگرایانه شدن بیشتر به لحاظ تکنیکی است یعنی اینکه موضوع و وضعیت ممکن است مربوط به گذشته و یا ... باشد، اما روش نزدیک شدن به آن از مرحله پرورش ایده تا بسط، با نگاه امروزی تری همراه است. این مدل نمایشی در دوران معاصر به مدد ابزار مدرن در دنیا باب شده و به عنوان یک سبک در حال اجراست.

**مضمون نمایشنامه را با توجه به سبکی که اتخاذ شده است، چگونه دیده اید؟**

خب بحث خیانت موضوعی است که مخصوصا بواسطه فضای مجازی در دنیای امروز بیشتر نمایان شده است. با این حساب بحث خیانت یک موضوع روز به حساب می آید. انسان ها در سایه روابط اجتماعی در فضاهای گاه و بی گاه مجازی، از پایبندی های اخلاقی سابق خود فاصله گرفته اند. این نمایش هم بواسطه استفاده از ابزار تکنیکال و نمایش اتاق های مخفی خانه، موفق شده است، به خوبی از ماهیت رسانه در این نمایش بهره بگیرد، تا موضوع خیانت را با تکنولوژی و معلولیت انسان ها پیوند بزند. از این مدل های نمایشی به عنوان تئاتر ویدئو، تئاتر تلویزیون و تئاتر سینما هم یاد می کنند.

**استفاده از میکروفون چه تاثیری بر فن بیان بازیگران و الفاء حس آنها بر مخاطب داشته است؟**

استفاده از میکروفون در نمایش های دیگر نیز مصطلح شده است و عموما استفاده از آن تنها برای بیان بازیگر نیست، بعضا برای دادن پرسپکتیو به صدا نیز از این ابزار استفاده می شود. اگر صحنه نمایش را جایگاهی ببینیم که یکی از اتفاقات مهم در آن مهندسی صدا و بیان است، پس میکروفون هم ابزاری در جهت خلق همان شیوه است که بخشی از اجرا به حساب می آید. همان طور که سایر ابزار ها مانند ال ای دی و دوربین مدار بسته و ... نیز در همین هدف به کار گرفته شده اند.

**بیشترین برجستگی نمایش هیدن را در چه بخشی دیده اید؟**

وقتی ما یک نمایش موفق را به تماشای نشینیم، به این معنی است که از تمام عناصر و مولفه های نمایشی در آن به درستی و شایستگی استفاده شده است. چرا که نمایش مجموعه ای چندمانی است که باید در یک کل منسجم خود را نشان دهند. این نمایش مشخص بود بر گرفته از متنی فکر شده است، پرداخت به بحث معلولیت چه در زن در شمال نابینا و مرد که معلولیت

بود. ریحانه برای من در طول سالهای که نمایش کار می کنم، نقطه قوتی است که ایمان دارم از پس پرچالش ترین و سخت ترین نقش ها هم بر می آید و خدا را شکر که توانسته نظر مخاطب را نیز به طور کامل در بازی و اجرا جلب کند. الباقی بازیگران را نیز توانستیم در سه الی چهار ماه جذب گروه کرده تا به یک کست نهایی برسیم.

**در مورد فرم اجرایی نمایش هیدن و مولفه های ابزاری که در نمایش استفاده کرده اید، بگویید؟**

از همان روز اول یک فرم اجرایی را در نظر داشتیم، به طور مثال دو صفحه ال ای دی که در بالای صحنه کار شده بود و تمثیلی از چشمهای نابینای زن بود، و فضای ایت باکس یا جهان کاملا سفیدی که در تلفیق با رنگ سیاه لباس زن تعریفی از حال هوای مسلط نمایش و کاراکتر ها بود. با این کار کرد که برای یک شخص نابینا خود رنگ سفید، رنگی پنهان است. و بقیه موارد که در گپ و گفتی که با مهدی موسوی طراح صحنه کار داشتیم، انجام شد.

**درباره اینکه چگونه جهان ذهنی کوروش شاهونه در این نمایش زنده شد، بگویید؟**

در حین تمرین نیز مدام به دنبال فضا و اتمسفری بودم که انتظار داشتیم نمایش آن را به بهترین شکل ارائه کند، تا آن آمیانس شخصی که در جهان ذهن ساخته و پرداخته ام را اجرایی کنم برای این کار لازم بود یک کست ۶ نفره را کاملا با خود همسو کنم، تا آرام آرام آن آمیانس شخصی در این نمایش تزریق شود و توسط بازیگران در اجرا حلول پیدا کند. این مسئله جز با تمرین مستمر و زیاد حاصل نمی شد، معتقدم تمرین زیاد در تئاتر معجزه می کند و هیچ نمایشی جز با تمرین زیاد تبدیل به شاهکار نمی شود. نه اینکه فکر کنم نمایش من یک شاهکار است، خیر! هنوز آنقدر بچه نشدم که فکر کنم شاهکار کرده ام. من در کنار بقیه بچه هایی که در حال اجرا و آماده کردن نمایش هستند، تمرین می کنم. اما به چشم خود دیده ام که در تمام نمایش ها تمرین زیاد، شاهکار کرده است. اعتقاد دارم که کارگردان به جهانی که آن را روی صحنه می آفریند باید اشراف داشته باشد. اینجا یک پلاتوی خالی است تو مسئول رنگ آمیزی و خلق آن هستی. کارگردان باید بداند این جهان چه چیزی را باید در نهایت به تماشاگر القا کند، نقاط کاتارسیس نمایش را با مخاطب مشترک کند و ... در مجموع نمایش هیدن با یکسال تمرین روی صحنه رفت و خدا را شکر که تماشاگر استقبال خوبی از آن داشتند و منتقدین خوب که به کار لطف داشتند.

**سبک نمایش هیدن را وابسته به کدام جریان جدی تئاتر در دنیا می دانید؟**

در اصل شیوه کارگردانی این نمایش، شیوه اجرایی تئاتر چند رسانه ای است که در حال حاضر کارگردانان معاصر بزرگی در دنیا آن را انجام می دهند. اصولا تعدادی از دوستان این مکتب و سبک را نمی شناسند. تئاتر چند رسانه ای در واقع نمایشی است که از برگرفته از چندین هنر و رسانه است. تئاتری که در آن از ویدیوآرت، عکس، فیلم استفاده می شود، تئاتری که ابزارهای ریشه در جهان مولتی مدیا و سوشال مدیا است. البته صرف استفاده از این ابزار در تئاتر هیچ اهمیتی ندارد، آنچه که یک نمایش را در سبک تئاتر چند رسانه ای هویت می بخشد، این است که این ابزار چه کاربردی در انتقال معنا و مفهوم داستان دارد. مثلا در قسمت هایی از نمایش هیدن که من بخش های از خانه را با دوربین مدار بسته نشان می دهم، درست دقیقه ۴۹ نمایش همسو می شود با درام و جهان کارگردانی چند رسانه ای و نقطه التقاط اصلی اش را به نمایش متصل می کند. یعنی جایی که مخاطب کاملا متوجه می شود که این ابزار چند رسانه ای در جهت پیشبرد درام نمایشی چه کار کرد و چه کاربردی دارد. این مسئله از همان روز اول در فرم و شیوه اجرایی این سبک از نمایش برایم دغدغه بوده است. کارگردانان شاخصی در دنیا مانند رومئو کاستالوکی و ... از این مدل نمایشی استفاده کرده اند. در ایران نیز اشخاصی مانند محمد مساوات و ... خیلی های دیگر به این سبک روی آورده اند و از نظر من در عصر جدید اصلا نشدنی است که با تئاتر سنتی انتظار جذب مخاطب داشته باشیم. البته برخی نمایش های خوب هنوز هستند که با سبک های قدیمی کار می شوند و البته که خوب هم هستند اما برای مخاطب بیشتر